

از یونان باستان تا جونِ آدمیزاد

[نمایشنامه]

سعیدرضا خوش‌شانس



۱۳۹۲

www.ketab.ir

سرشناسه: خوش‌شانس، سعیدرضا، ۱۳۶۵ -

عنوان و نام پدیدآور: از یونان باستان تا جون آدمیزاد (نمایشنامه) / سعیدرضا خوش‌شانس.

مشخصات نشر: تهران: افراز، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۷۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۳-۲۳۳-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: نمایشنامه‌ی فارسی -- قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ الف ۵۳۷ و / PIR ۸۰۴۰

رده‌بندی دیویی: ۸۲۲ / ۶۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۲۵۳۱۸۷۵



انتشارات افراز

ناشر برگزیده‌ی تئاتر و ادبیات نمایشی

دفتر مرکزی و فروش: خیابان فلسطین جنوبی، خیابان وحید نظری، پست افشار، پلاک ۱، واحد ۵

تلفن: ۶۶۴۰۱۵۸۵

مرکز پخش: ۶۶۹۷۷۱۶۶

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.afrazbook.com

E-mail: info@afrazbook.com

از یونان باستان

تا جون آدمیزاد

سعید رضا خوش‌شانس

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۲

ویراستار: محسن صالحی راد

ویراست‌یار: سرور هنزور

طراح جلد: یاسین محمدی / آتلیه افراز

لیتوگرافی / چاپ / صحافی: ترنج / تصویر / یکتافر

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی

از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

شکيبايي، ژرفاي استادانه و تجربيات گراني که
سيروس شاملوبي دريغ در اختيارم نهاده است، من را
چنان رهين منت خود ساخته که چاره‌اي شايسته
براي تقدير از او نجسته‌ام.

و بوسه‌هاي پيايي بر دستان گرم و هميشگي پدرم.

به برادرزاده‌هايم:

کامنوش و هاله و کامبخش و هستي
چهار گوشه‌هاي دلم.

www.ketab.ir

ما [سرود] توده‌های عظیمی را سر می‌دهیم که از کار و خوش‌گذرانی و طغیان به‌شور آمده‌اند، همان سرود امواج انقلاب‌های رنگارنگ و پُرطنین در پایتخت‌های مدرن. ما طنین هیاهوی شبانه‌ی زرادخانه‌ها و کارخانه‌ها در زیر نور درخشان ماه‌های الکتریکی‌شان را می‌سراییم، ایستگاه‌های قطار پُرخوری را که جریبانه افعی‌های آتشین را در خود می‌بلعند، کارخانه‌هایی را که با کلاف دودشان از فراز ابرها آویزان‌اند، پل‌هایی را که چون خیمز بلند ژیمناست‌ها از روی تیغه‌ی چاقوی غول‌آسای رودخانه‌های درخشان می‌پرنند، کشتی‌های بخار ماجراجویی را که افق را جو می‌کشند، لوکوموتیوهای سینه‌پهن را که چون اسب‌های پولادین با افسارهای لوله‌ای بلندشان، ریل‌های آهنین را در دود می‌نوردند، طیاره‌هایی را که با ملخ‌هایی مزین، سرخوشانه در پروازند و جمعیت مشتاق را به تحسین وامی‌دارند.

ماریتتی، ف.ت: «مانیفست فوتوریسم»، لوفنگا، ۱۹۰۹

فهرست

۹	پیش درآمد
۱۱	درآمد
۱۵	از یونان باستان تا جون آدمیزاد
۱۶	اولین بازی
۱۷	دومین بازی
۲۳	سومین بازی
۳۰	چهارمین بازی
۳۱	پنجمین بازی
۴۱	ششمین بازی
۴۲	هفتمین بازی
۵۴	هشتمین بازی
۵۵	پی نوشت
۵۵	شناخت نامه‌ی مختصر اساطیر یونان
۶۵	تبارشناسی مختصر مافیا

پیش در آمد

به قلم سیروس شاملو

اسطوره‌ها دست و پا دارند، طحال و ریه. اسطوره نفس می‌کشد. اسطوره زنده است، چون از زندگی رسته است. با آب‌پاشِ زندگی آبیاری شده، گل و ثمر می‌دهد. اسطوره حرف می‌زند و دارای جوهرهای کاملاً خاکی است. هرچند دنیای قدرت به مصلحت استعمار انسان‌ها، بلیون‌ها دلار خرج می‌کند تا به کمک اسطوره‌دوزانِ جاعلِ بومی، در کشورهای ناسامان این تعریف را جا بیندازد که: اسطوره نفس نمی‌کشد، زنده نیست، از زندگی رسته نیست، تافته‌ای جداافتاده است و سری در واقعیت ندارد، خرافی و رازآلود است و به هیچ دردی نمی‌خورد! نتیجه این که فرهنگِ اقوامِ چیری پوزالی و بی‌مفهوم و جاهلانه است و آنچه واقعیت دارد، پرتاب‌شده‌های عظیم قومی انباشته از فست‌فود به آینده‌ای مشکوک است، فشرده‌شده در توپ چینی^۱ یک‌بار مصرفی به نام دهن‌پُرکن «اقتصاد پیشرو»! شهروندی که چشمی تماشاگر دارد و چون نمایشی نگران‌کننده، شاهد این اتفاق است و تا مغز استخوان درد را احساس می‌کند.

۱. محصول کشور چین.

سونامی پیش رو به ریشه‌ها زده است. تجربه‌ی حیات که در بافت قصه‌ی خوش تنیده بود، سرخ و پیام را قاط زده، دیگر سگ هم صاحب خودش را نمی‌شناسد. گنج و هار هر طرف پارس می‌کند و پاچه‌ی هر دوپایی را می‌گیرد. مخچه‌ها از کار افتاده، تمثیل و استعاره حرف مفتی شده است و افسانه‌ی دریاچه اوهامی است که باید هرچه زودتر دامن آلوده‌ی مدرن را به کمک شوینده‌های فسفری از لوث آن نجات داد. چه باک اگر به مدد شوینده‌ها، اجساد ماهیان سطح دریاچه را بپوشاند!

مرگ اسطوره از این جا آغاز می‌شود. در کتاب اسطوره و هنر ایمانی^۱ جلد اول - تحقیق پانزده ساله‌ی من که فیلم و زینکش به دلیل دعوا و بدحسابی‌های ناشر و چاپخانه نابود شد - اشاره کرده‌ام که: اسطوره زبان امروز است؛ چیزی چون ماده‌تاریخ است. در الیاف هنرمندانه‌ی قصه پیچیده شده، قانونمندی انسان‌هایی است که قوانین را از بطن حادثه استخراج می‌کنند، نه حادثه را از بطن قانون! چیزی فراتر از قانون نیست. نه مثل قوانین امروز که هیچ ربطی به حقیقت هستی نداشته باشد. آن جا دیگر دزد را به خاطر دزدی محکوم نمی‌کنند، بلکه فقر را که علت سرقت است، مورد ملاحظه قرار می‌دهند.

سعید خوش‌شانس به ما شانس دیگری داد تا اسطوره را در قالب واقعی خودش یعنی تعمیم‌پذیری مفهومی، دوباره خوانی کنیم، کاری که به ندرت انجام می‌دهیم، جایی که خشم زئوس همان دیوان‌سالاری مدرن است، در برابر آوازهای رهایی پرومته، آوازهای رهایی انسان، آوازهای رهایی‌ات! ما خسته نباشیم در این برزخ.

تهران، ۱۳۹۰

۱. پانتومیم: اسطوره، تاریخ و تکنیک نوین، تهران، نگاه، ۱۳۸۰